

شناسایی عوامل و پیامدهای به کارگیری سلاح غیرمجاز در استان کرمانشاه^۱محمد اسدی فرد^۲، جلال همتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

چکیده

زمینه و هدف: استفاده از سلاح گرم، از جمله مسائلی است که علاوه بر ایجاد فضای آکنده از خشم و نفرت، امنیت عمومی را نیز از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی عوامل و پیامدهای به کارگیری سلاح غیرمجاز در استان کرمانشاه است.

روش: روش پژوهش از نظر ماهیت، کیفی و راهبرد اصلی پژوهش، نظریه داده‌بنیاد و ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه است. جامعه مشارکت‌کننده، پانزده نفر از خبرگان شامل مدیران و کارشناسان مدیریت امنیتی و انتظامی هستند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. با توجه به اصل اشباع نظری، مصاحبه تا نفر پانزدهم ادامه یافت و در نهایت یافته‌های به دست آمده از کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، بر مبنای الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین بررسی شد.

یافته‌ها: مدل پارادایمی به دست آمده نشان‌دهنده آن است که میزان علاقه‌مندی مردم به استفاده از سلاح به‌عنوان (مقوله علی) که تحت شرایط جغرافیایی و پایبندی مردم به آداب و رسوم محلی و توسعه‌نیافتگی شکل می‌گیرد، در به کارگیری سلاح (مقوله محوری) تأثیر دارد. البته در فرایند استفاده از سلاح غیرمجاز، موضوعات مربوط به اختلافات قومی و طایفه‌ای و آثار نامطلوب جنگ تحمیلی (مقوله زمینه‌ای) و وجود خلأهای مرزی و تحرکات گروهک‌های معاند (شرایط مداخله‌گر) نیز بر میزان گرایش مردم به استفاده از سلاح تأثیر می‌گذارند.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج پژوهش، می‌توان با به کارگیری راهبردهای مناسب ارائه‌شده در بخش راهبردها «مانند ایجاد اشراف اطلاعاتی، هم‌افزایی دستگاه‌های امنیتی و انتظامی و اجرای طرح‌های نوبه‌ای سلاح و مهمات» بر شرایط مداخله‌گر غلبه و به نحو مطلوب از شرایط زمینه‌ای استفاده کرد تا پیامدهای امنیتی نظیر دلهره و اضطراب و جرائم خشن کاهش یابد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، به کارگیری سلاح غیرمجاز، تیراندازی، قاچاق، استان کرمانشاه.

➤ استناد: اسدی فرد، محمد؛ همتی، جلال؛ (۱۴۰۰). شناسایی عوامل و پیامدهای به کارگیری سلاح غیرمجاز در

استان کرمانشاه. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۱۶ (۲)، صص ۶۹-۹۶

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی امین است.

۲. * استادیار مدیریت پیشگیری از جرم، گروه اطلاعات، دانشکده اطلاعات و آگاهی، دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده

مسئول)، رایانامه: am.fard9192@gmail.com، تلفن: ۰۲۱۴۸۹۳۱۶۵۲

۳. کارشناس ارشد مرزبانی، دانشکده مرزبانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، رایانامه: hmtyasra37@gmail.com

مقدمه

به کارگیری سلاح غیرمجاز به‌عنوان یکی از عوامل مهم اخلال در نظم و امنیت عمومی دارای آثار و پیامدهای زیان‌باری است، به‌طوری‌که وجود اسلحه غیرمجاز در دست افراد، ممکن است باعث شود تا اشخاص و گروه‌هایی با بهره‌مندی و استفاده از آن، مرتکب جرائمی مانند قتل، سرقت، خشونت و حتی ترور شوند. شاید در گذشته داشتن اسلحه گرم، به‌دلیل نبود نظارت‌های قانونی جدی و وجود برخی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، میان برخی سنت‌ها، قبیله‌ها و عشیره‌ها امری عادی تلقی می‌شد و استفاده از آن پیگرد قانونی ویژه‌ای در بر نداشت؛ اما اکنون به‌دلیل اهمیت یافتن مسئله امنیت اجتماعی و آرامش روانی جامعه، حمل و استفاده از آن به‌صورت جدی از سوی مقام‌های قضایی پیگیری می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۴).

به‌دلیل حساسیت بالا، خطر و آسیب‌های جانی و مالی که اسلحه برای اشخاص جامعه می‌تواند داشته باشد، قانون‌گذار، استفاده از آن را به موارد مقرر قانونی محدود و استفاده عمومی از آن را منع کرده است. بدین منظور، قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰ را در ۲۱ ماده تدوین نموده و در آن ضمن تعیین مفهوم سلاح و انواع آن، مجازات مرتکبین جرائم مرتبط با اسلحه از جمله نگهداری، حمل، قاچاق و استفاده و سایر جرائم مرتبط را مشخص کرده است.

در جامعه آماری مورد مطالعه (استان کرمانشاه) که دارای بافت قومیتی است، به کارگیری سلاح متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای بوده و هنوز هم داشتن سلاح، نوعی شاخص قدرت یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. با افزایش قاچاق اسلحه و مهمات در استان‌های مرزی همجوار و ورود به استان کرمانشاه، اسلحه یکی از ابزارهای دفاع شخصی و خودکشی جوانان در این استان شده و علاوه بر این، هر سال در مناسبت‌های سیاسی از جمله انتخابات و سایر مراسم ویژه، عامل درگیری و نزاع‌های دسته‌جمعی و باعث رعب و وحشت و نگرانی مردم شده است (حسینی، ۱۳۹۹، ۷۴). در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ در استان کرمانشاه حدود ۷۰۰ مورد تیراندازی غیرمجاز رخ داده است و شهرستان‌های کرمانشاه،

اسلام‌آباد، هرسین، سر پل ذهاب، گیلان‌غرب و دالاهو آمار بالاتری در این زمینه دارند (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۹۶).

از سویی دیگر، آمارها نشان می‌دهد در بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۸ در استان کرمانشاه بیش از ۱۰۰۰ مورد تیراندازی غیرمجاز به وقوع پیوسته که این امر در مقایسه با آمار مشابه سنوات گذشته، حدود ۷۰ درصد رشد کرده است (پلیس اطلاعات و امنیت عمومی، ۱۳۹۹).

با توجه به آنچه در خصوص این پدیده گفته شد، ضرورت دارد تا آگاهی و شناخت کاملی از عوامل مؤثر در استفاده مردم کرمانشاه از سلاح گرم و پیامدهای ناشی از آن ایجاد شود. هنگام افزایش وقوع این نوع رفتارها، باید آن را به‌عنوان یک مسئله در نظر گرفت سپس ویژگی‌های کمی و کیفی آن را بررسی کرد و درنهایت عوامل مرتبط با وقوع آن بررسی و راه‌حل‌های اصلاح وضعیت مشخص شود.

با توجه به گستره قاچاق سازماندهی شده سلاح به داخل کشور برای اجرایی کردن سناریوهای کشته‌سازی، مسلح کردن اغتشاشگران، توزیع سلاح در بین مردم و ... انجام این پژوهش و توجه به نتایج آن می‌تواند به‌عنوان یک هشدار جدی، مسئولان سایر نهادها را در جهت کنترل بیشتر این پدیده و همکاری با نیروی انتظامی ترغیب کند. از نظر اجتماعی نیز شناخت علمی عوامل و بسترها و پیامدهای استفاده از سلاح به‌مثابه یکی از موانع توسعه اجتماعی و انسانی، نقش مؤثری در برنامه‌ریزی برای رفع این مسئله و مدیریت صحیح آن دارد و ارائه راهکارهای کاربردی می‌تواند از گسترش دامنه این گونه آسیب‌ها جلوگیری کند. همچنین تحقیق‌نکردن در این زمینه، نتایج سویی در حوزه تهدیدات امنیتی - انتظامی دارد و در آینده افزایش جرائم خشن و اقدامات ضد امنیتی را در پی خواهد داشت.

مطالعه تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که در مواردی مانند شناسایی شرایط محیطی، بسترها و زمینه‌ها؛ ارائه راهبرد مناسب درزمینه مقابله و کنترل و همچنین به‌کارگیری روش‌های کیفی و مصاحبه با خبرگان، کم‌توجهی صورت گرفته و به‌نوعی از جمله شکاف‌های تحقیقاتی و خلأ نظری تحقیق حاضر به حساب می‌آید؛ بنابراین، سعی شده با

طرح سؤال‌های کیفی این خلأ نظری پوشش مناسب داده شود. با توجه به آنچه در خصوص این پدیده گفته شد، ضرورت دارد تا آگاهی و شناخت کاملی از علل و پیامدهای استفاده مردم کرمانشاه از سلاح گرم صورت گیرد؛ بنابراین، هدف اصلی در این مقاله شناسایی و تبیین زمینه‌ها و عوامل مؤثر در به‌کارگیری سلاح غیرمجاز در استان کرمانشاه است تا در پایان پس از احصای آن‌ها به پیامدهای و راهبردهای مناسب برای مقابله با این پدیده دست یافت. با نگرش به موارد فوق، باید گفت پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که چه علت‌هایی در به‌کارگیری سلاح غیرمجاز در استان کرمانشاه نقش دارد و پیامدهای امنیتی ناشی از آن کدام است؟

پیشینه و مبانی نظری

شاطریان و بخشی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع مسلحانه در جوامع روستایی» دریافتند که رابطه متغیرهای مستقل خودنمایی گروه، حس تلافی‌جویانه، ضعف انسجام اجتماعی، بیگانه‌هراسی، نابرابری در قدرت، ضعف بازدارندگی بیرونی و رقابت بر سر منابع با متغیر وابسته (نزاع مسلحانه) معنادار بوده و رابطه متغیرهای ضعف بازدارندگی درونی و بی‌اعتمادی با نزاع مسلحانه معنادار نبوده است.

نتایج تحقیق احمدی اوندی (۱۳۹۴) با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی؛ مورد مطالعه: شهرستان ایذه» نشان داد که برخی متغیرها مانند تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، همبستگی درون‌گروهی، تقدیرگرایی و سنت پرستی، خویشاوندگرایی، مسائل ناموسی، فرهنگی شدن خشونت و نزاع، نخبگان اجتماعی (ساختار پاتریمونیالیسم^۱)، کمبود منابع، بیکاری، انتخابات، تزلزل در مدیریت اجتماعی، بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، بیگانه‌گزینی و اختلافات تاریخی (ارباب - رعیتی)، بستر و زمینه گرایش به حمل و نگهداری سلاح را مهیا می‌سازد.

الهام و عابد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری حق داشتن سلاح و تأثیر آن بر حقوق کیفری» تلاش کردند تا مبانی جریان شکل‌گیری حق داشتن سلاح و به رسمیت شناختن آن به عنوان یک حق و چگونگی نفوذ آن در نظام حقوقی آمریکا و نیز جایگاه آن در حقوق کیفری ایران را بررسی و تحلیل کنند.

عشایری و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی روستایی» به این نتیجه رسیدند که بین نظارت نیمه‌رسمی، رسمی و مردمی، طایفه‌گرایی، اختلافات ملکی و کمیابی منابع، مسائل ناموسی و باورهای طایفه‌ای با استفاده از سلاح در نزاع رابطه معنادار و بین رقابت نخبگان با نزاع دسته‌جمعی رابطه معنادار وجود ندارد. یافته‌های مطالعه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان سنندج به حمل سلاح» که بابایی و همکاران (۱۳۹۱) انجام داده‌اند، نشان می‌دهد ویژگی‌هایی مانند سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت و نوع اشتغال و عوامل خانوادگی مانند نظارت نداشتن خانواده، بی‌توجهی، آشفتگی خانواده، فضای عاطفی حاکم بر خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده و ارتباط با دوستان خلافکار و سابقه دار در گرایش نوجوانان و جوانان به حمل سلاح سرد مؤثر است. پاسخگویان، مهم‌ترین دلایل گرایش خود به حمل سلاح را ایجاد رعب و وحشت در درگیری‌ها، دفاع از خود در مواقع خطر یا بروز درگیری و وجود ناامنی در محیط زندگی بیان کردند. براساس نتایج پژوهش، می‌توان گفت که نقش خانواده و عوامل خانوادگی در گرایش به حمل سلاح سرد بارزتر است؛ البته نباید نقش عوامل محیطی و وجود دوستان بزهکار را نادیده گرفت؛ ولی کارکرد درست خانواده در ایجاد محیط عاطفی گرم و پذیرنده و نظارت و کنترل درست بر رفتار و رابطه فرزندان، می‌تواند مانع تأثیرات سوء محیط بیرون بر آن‌ها شود.

قدسی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌های ناشی از کاربرد اسلحه گرم؛ نتیجه یک مطالعه چندمرکزی» با هدف بررسی آسیب‌های ناشی از به‌کارگیری اسلحه گرم در کشور، چنین نتیجه گرفتند که محدودیت و سخت‌گیری جهت نگهداری و حمل اسلحه گرم برای کاهش حوادث ناشی از آن الزامی است و از سوی

دیگر باید برای ایجاد سیستمی به منظور ثبت و بررسی این گونه آسیب‌ها کوشش شود. همچنین رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) پس از انجام مطالعه‌ای با عنوان «تجارت و قاچاق اسلحه در خلیج فارس بین ساله‌ای ۱۸۹۶-۱۹۲۵» اذعان کردند که تجارت و قاچاق اسلحه در خلیج فارس از مسائلی بود که در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت؛ اگرچه با توجه به اسناد و مدارک موجود، سابقه این تجارت همزمان با حضور دولت‌های اروپایی در خلیج فارس بوده است. در اواخر قرن نوزدهم، بروز برخی حوادث مانند جلوگیری از دزدی دریایی و ممانعت از تجارت برده توسط انگلیسی‌ها و اقدامات آن‌ها در این راستا، سبب شد که عده‌ای از افراد به این تجارت روی بیاورند. دولت انگلستان و ایران با همراه کردن سایر دولت‌های منطقه خلیج فارس و انجام اقداماتی در سطح منطقه و جهان، درصدد ممانعت از این تجارت برآمدند. انجام این گونه اقدامات از جانب ایران به خاطر تسلط نداشتن بر ایلات و عشایر و ترس از مسلح شدن آن‌ها بود؛ اما در واقع مبارزه با قاچاق و تجارت اسلحه برای انگلستان، وسیله‌ای بود که این دولت برای بسط نفوذ سیاسی و تحکیم سیادت دریایی و قبضه کردن بازرگانی و تجارت خلیج فارس از آن استفاده کرد.

براکا^۱ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «تفسیر شواهد تجربی در مورد پویایی غیرقانونی بازار اسلحه» به این نتایج دست یافت که سالانه هزاران آمریکایی با شلیک گلوله کشته می‌شوند، و صدها هزار نفر دیگر در سرقت و تعرض، زخمی یا تهدید به اسلحه می‌شوند. بار خشونت با اسلحه در مناطق شهری زیاد است. به گفته منتقدان، نمی‌توان از نتایج داده‌های ردیابی سلاح گرم و مطالعات تحقیق در مورد قاچاق اسلحه برای درک غیرقانونی عرضه اسلحه به مجرمان استفاده کرد؛ بنابراین تلاش‌های نظارتی و اجرایی برای ایجاد اختلال در بازارهای غیرقانونی اسلحه گرم در رسیدگی مجرمانه به اسلحه گرم بی‌فایده است. در این مقاله، داده‌های جدیدی برای پرداختن به سه استدلال اصلی مورد استفاده درباره غیرقانونی بودن بازار اسلحه ارائه داده است. جنایتکاران برای

دستیابی به اسلحه به مجموعه متنوعی از مسیرهای غیرقانونی متوسل می‌شوند، قاچاقچیان سلاح‌های جدید را از طریق تجارت قانونی سلاح گرم به خرده‌فروشی منتقل می‌کنند. برنان و کرسٹوفر مور^۱ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «سلاح و خشونت: مروری بر نظریه و تحقیقات» دریافتند که تقریباً در یک‌چهارم حوادث خشونت‌آمیز و بیشتر قتل‌ها در ایالات متحده و انگلیس از سلاح استفاده می‌شود. نظریه‌های مربوط به رفتارهای مربوط به سلاح، علی‌رغم سهم گسترده آن‌ها در آسیب‌های خشن، کمیاب است و اطلاعات کمی دربارهٔ رابطهٔ آن‌ها منتشر شده است. این مقاله نظریه‌های موجود در مورد رفتار مربوط به سلاح را مرور و تعدادی از انگیزه‌های حمل سلاح (مانند دفاع از خود، مجبور کردن قربانی، ایجاد صدمه و...) را شناسایی کرده است.

همینوی و میلر^۲ (۲۰۰۰) در تحقیق با عنوان «استفاده از اسلحه در ایالات متحده: نتایج حاصل از دو نظرسنجی ملی، پیشگیری از آسیب» که از بزرگسالان در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ انجام شده است به این نتایج دست یافتند که بیشتر موارد استفاده شده از اسلحه، غیرقانونی ارزیابی شده است. این امر حتی با این فرض که مخاطب اجازه داشتن اسلحه و حمل آن را داشته است، اتفاق افتاده است. محققان مذکور به این نتیجه کلی رسیدند که استفاده از اسلحه برای «تهدید و ارباب» بسیار بیشتر از مواردی است که در «دفاع از خود» استفاده می‌شود. بیشتر موارد استفاده شده از اسلحه، برای دفاع شخصی ممکن است غیرقانونی و مغایر با منافع جامعه باشد. با بررسی پیشینهٔ تحقیق و مبانی نظری و با توجه به بافت خاص جغرافیایی و اجتماعی مناطق مرزی و وجود مشکلاتی مانند محرومیت نسبی به لحاظ دوری از مرکز و گرایش‌های قوم‌مدارانه، چهارچوب نظری این تحقیق بر اساس نظریه‌های ناکامی مرتن^۳، یادگیری، منابع، فرهنگ خشونت و تضاد استوار است.

1. Brennan, Iain R & Christopher Moore

2. Hemenway, D & Azrael, Miller

3. Merton

تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد علل استفاده از سلاح غیرمجاز انجام شده است. این تحقیقات عمدتاً درباره‌ی شناسایی بسترها و علل موضوع بوده است. پژوهش‌های جامعی که با استفاده از نظر کارشناسان و خبرگان امنیتی در حوزه‌ی پیامدهای آن صورت گرفته باشد، انجام نشده است.

خشونت و استفاده از سلاح گرم، اصولاً با میانگین بالایی در استان‌هایی که ساختار ایلی و طایفه‌ای خود را حفظ کرده‌اند، مشاهده می‌شود. علاوه بر این، استفاده از سلاح گرم در اثر عواملی چون احساس محرومیت، تعصب، خاص‌گرایی، انزوای اجتماعی، توسعه‌نیافتگی فرهنگی و... به وقوع می‌پیوندد. خشونت‌گرایی با استفاده از سلاح گرم پیامدهایی نظیر اخلال در نظم عمومی، گسترش روحیه‌ی انتقام‌جویی، گسترش جرائم و آسیب‌های اجتماعی، کاهش عرق‌ملی در مقابل گرایش‌های قوم‌مدارانه، تهدید احساس امنیت عمومی و مهم‌تر از همه، کاهش احساس امنیت در میان افراد، که خود موجب ایجاد اضطراب و دیگر ناآرامی‌های فکری و روحی می‌باشد را به دنبال خواهد داشت. بر خوردهای ستیزه‌جویانه اصولاً زائیده شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌اند، لیکن نتیجه‌ی نهایی آن‌ها به پرخاشگری منتهی می‌شود؛ از این رو، این مسئله را می‌توان در نظریه‌های ناکامی جست‌وجو کرد (بشیری خطیبی و فخرایی، ۱۳۹۲، ۲۲۴).

مرتن در نظریه‌ی مشهور خود با عنوان فرصت‌های مشروع افتراقی، معتقد است که جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات به‌عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی شخص و معیارهای منزلتی تجلی می‌کند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی، به ابزارهای مقبولی نیاز دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است. در نتیجه، چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه‌ی افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده است، آن کسی که دسترسی به ابزار مشروع ندارد تحت فشار جامعه برای دستیابی به آن‌ها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند. البته واکنش همه‌ی افراد نسبت به نداشتن فرصت‌های مشروع یکسان نیست و همه‌ی فرودستان برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی، کج‌رفتاری نمی‌کنند و هرکس به طریقی خود را با محیط سازگار می‌کند. دسته‌ای از فرودستان نوآوردند و در سازگاری

خود با محیط از ابزارهای نامشروع بهره می‌گیرند. گروهی از افراطیون در مقابل اهداف و ابزار مشروع دست‌نیافتنی، طغیان کرده و اهداف و ابزار جدیدی را برای تغییر ساختار اجتماعی معرفی می‌کنند. عده‌ای به‌ناچار از اهداف مقبول و ابزار مشروع دست‌شسته و از جامعه کناره می‌گیرند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹، ۴۵). بر اساس این دیدگاه، افرادی مرتکب خشونت می‌شوند که تحت فشار ساختاری برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی به دلیل دسترسی نداشتن به ابزار مشروع قرار دارند؛ به‌عبارت‌دیگر، شکافی بین اهداف و آرزوهای پذیرفته‌شده فرد و ابزار دستیابی به آن‌ها وجود دارد که هر قدر این شکاف عمیق‌تر باشد احتمال وقوع رفتار خشونت‌آمیز بیشتر است.

از نظر کوهن^۱، ناهمسازی اهداف و ابزار موردنظر مرتن به‌خودی‌خود به کج‌رفتاری نخواهد انجامید، مگر با مداخله عامل ناکامی منزلتی. توضیح اینکه: کوهن مدعی است فرزندان طبقات فرودست که مثل دیگر هم‌سن و سالان خود از طبقات متوسط جامعه به مدرسه می‌روند و در آنجا با ارزش‌های طبقات متوسط آشنا و طالب منزلت‌های اجتماعی مقبول می‌شوند، در رقابت با همکلاسان طبقات بالاتر خود، در می‌مانند، ناکام و تحقیر می‌شوند و برای جبران آن در رقابت برای دستیابی به منزلت، «خرده‌فرهنگ» بزهکاری‌ای تأسیس می‌کنند که نظام ارزشی آن، درست نقطه‌مقابل نظام ارزشی طبقات برخوردار و فعالیت و رقابت در آن برای آن‌ها ثمربخش است. از این دیدگاه، رفتار خشونت‌آمیز از سوی افرادی به وقوع می‌پیوندد که اولاً دارای پایگاه اجتماعی پایینی هستند، ثانیاً با ارزش‌های طبقات بالاتر آشنا شده و در مقابل آن احساس محرومیت و ناکامی کرده‌اند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹، ۴۶).

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه کج‌رفتاری، فشار اجتماعی است. این نظریه بر این سؤال تأکید دارد که چرا مردم کج‌رفتاری می‌کنند و چه عواملی در جامعه، برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهد و آنان را مجبور به کج‌رفتاری می‌کند. تفسیر بسیار ساده این نظریه در یک ضرب‌المثل معروف آمده است که «فقر باعث جرم می‌شود». به‌موجب

این ضرب‌المثل، وجود فراوان فقر در یک ساختار اجتماعی فشارهایی را برای بروز انواع خاصی از کج‌روی‌ها فراهم می‌سازد (ستوده، ۱۳۹۷، ۱۲۹). رابرت مرتن این فشار را ناشی از ناتوانی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند. آلبرت کوهن، ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را عامل فشار می‌شمارد.

همچنین به کارگیری سلاح می‌تواند با نظریه‌های دیگری مرتبط باشد، از آن جمله می‌توان به نظریه‌های اجتماعی - روان‌شناختی اشاره کرد: هواداران این نظریه‌ها بر این عقیده استوارند که یادگیری اجتماعی از طریق تجربه خشونت و در معرض خشونت بودن، علت اصلی گرایش به خشونت است (کالموس^۱، ۱۹۸۴، ۱۱).

از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده یادگیری عمدتاً ناشی از تجاربی است که بر پایه یادگیری نیابتی و از طریق مشاهده رفتار فرد دیگر و پیامدهای آن شکل می‌گیرد. یادگیری مشاهده‌ای تحت تأثیر چهار مؤلفه قرار دارد که عبارت‌اند از: فرایندهای توجهی، فرایندهای یادداری، فرایندهای بازتولید حرکتی و فرایندهای انگیزشی (سادات میری و دادور، ۱۳۹۰). آنچه تأکید نظریه یادگیری اجتماعی بر آن می‌باشد، آن است که ابزار اصلی یادگیری، از طریق مشاهده کامل می‌شود. همان‌گونه که باندورا^۲ و دیگران نیز در بررسی خود دریافتند که عادات و شیوه‌های زندگی می‌توانند از طریق مشاهده کسب شوند و با نتایج پاداش آن‌ها حفظ شوند (هارمون^۳، ۲۰۰۱، ۱۶).

نظریه منابع: نظریه منابع که ویلیام گود در سال ۱۹۷۱ مطرح کرد، استدلال می‌کند که ناسازگاری پایگاهی، زمانی که فرد با دیگران تعامل برقرار می‌کند وضعیت دشواری را خلق می‌کند. فرد تمایل دارد که خودش را بر اساس سلسله‌مراتب پایگاهی بالاتر ارزیابی کند، درحالی‌که دیگران تمایل دارند که فرد را برحسب سلسله‌مراتب پایگاهی پایین‌تر ارزیابی کنند. در این حالت، این ناسازگاری، به تنش یا نارضایتی منجر خواهد شد که به‌نوبه خود گرایش‌ها و رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش خواهد داد

1.Kalmuss, D.

2.Bandura

3.Harmon

(برسانی^۱، ۱۹۸۸، ۶۲). از دیدگاه نظریه منابع، اعمال خشونت از طریق به‌کارگیری سلاح زمانی اتفاق خواهد افتاد که یک فرد، نقش مفید و نمادین خود را در جامعه از دست بدهد. نظریه منابع معتقد است منابعی مانند موفقیت، منزلت اجتماعی، وضعیت در خارج از خانواده، سن، شغل، استعداد ذاتی، اقتدار سیاسی و... قدرت اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا طبقات اجتماعی مختلف و گروه‌های قومی در دستیابی به منابع جایگزین، تفاوت دارند؛ بنابراین اعضای طبقات اجتماعی پایین ممکن است بیشتر از گروه‌های دیگر جامعه متمایل به استفاده از خشونت به‌عنوان ابزاری جهت کسب قدرت می‌باشند (عزیزی و محمودی، ۱۳۹۴، ۱۲).

نظریه فرهنگ خشونت / خرده‌فرهنگ خشونت: این نظریه بیش از اینکه تبیین ساخت اجتماعی باشد، یک تبیین فرهنگی است. این نظریه معتقد است که در میان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، جهت‌گیری‌های متفاوتی درباره خشونت وجود دارد که در تفاوت‌های فرهنگی، ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهای مربوط به وضعیت مناسب برای رفتار خشونت‌گرایانه منعکس می‌شود. در بعضی از وضعیت‌ها یک پاسخ خشونت‌آمیز یک پاسخ خرده‌فرهنگی است، در حالی که همان پاسخ در خرده‌فرهنگ دیگر یک نوع پاسخ هنجارمند محسوب می‌شود (ون هست^۲، ۱۹۸۸، ۲۶۶). از جمله نظریه‌هایی که بر توسعه و ترویج فرهنگ خشونت تأکید دارد، نظریه یادگیری اجتماعی است که در آن شخص، رفتار معرفتی و اجتماعی دیگران را به‌وسیله مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد. این نظریه بر یادگیری ویژگی‌های رفتار خشونت‌گرایانه تأکید می‌کند (بارنت و همکاران^۳، ۲۰۰۵، ۲۸).

نظریه فشار: نظریه‌های جامعه‌شناختی متعددی به بررسی رفتارهای انحرافی پرداخته‌اند. نظریه کلاسیک فشار / آنومی رابرت کی‌مرتون^۴ یکی از نظریات کلاسیک جرم‌شناسی است که با بررسی ساختارهای موجود در جامعه به تبیین رفتار

1. Bersani

2. Van Hosselt

3. Barnett, w.c.L. Miller-Perrin

4. K. Robert Merton

انحرافی می‌پردازد. مرتن دریافت دو عنصر برای ایجاد شرایط بالقوه آنومیک با هم در تعامل‌اند: اهداف فرهنگی تعریف‌شده و ابزارهای اجتماعی پذیرفته‌شده برای دستیابی به آن‌ها. جامعه معاصر بر اهداف کسب ثروت، موفقیت و قدرت تأکید می‌کند. ابزارهای اجتماعی مشروع دستیابی شامل کار سخت، تحصیلات و صرفه‌جویی است. مرتن استدلال می‌کند که در ایالات متحده، ابزارهای مشروع دستیابی ثروت در طول خطوط طبقه و پایگاه قشر بندی شده است (سیگل^۱، ۲۰۱۱، ۲۰۵ به نقل از علیوردی‌نیا و شهریاری، ۱۳۹۶، ۹۲). مرتن این نوع از جامعه را که در آن نابرابری فرصت همراه با تأکید قوی بر موفقیت وجود دارد، به‌عنوان جامعه آنومیک توصیف می‌کند و رفتار انحرافی را به‌عنوان واکنشی به شرایط آنومی در نظر می‌گیرد.

نظریه تضاد: تحقیقات اشتراوس (۱۹۷۸) نشان می‌دهد که در جوامعی که فرد بر دیگر منابع قدرت تسلط ندارد، کاربرد خشونت به‌عنوان آخرین ابزار قدرت برای حل تضادها افزایش می‌یابد و به همین خاطر در مناطقی که طبقات پایین اجتماع با فشارها و تنش‌های بیشتری روبرو هستند، احتمال توسل افراد به خشونت و به‌کارگیری سلاح بیشتر است زیرا آنان در قیاس با افراد دیگر، منابع قدرت کمتری برای پیشبرد مقاصد، خواسته‌ها و ایجاد توازن در زندگی خانوادگی‌شان در اختیار دارند (برسانی، ۱۹۸۸، ۷۲). تضاد و خشونت عملاً با همدیگر اتفاق می‌افتد؛ اما تضاد لزوماً منجر به خشونت نمی‌شود. اینکه بسیاری از تضادها با خشونت همراه می‌شود، به این مفهوم نیست که برای حل آن‌ها نیاز به خشونت می‌باشد، بلکه نشان می‌دهد کسانی که از خشونت استفاده می‌کنند نمی‌توانند به راهبرد بهتری فکر کنند و اعتقاد دارند که خشونت، تنها روش انتخابی موجود است (کالین^۲، ۱۹۸۶، ۱۵۴). براساس دیدگاه‌های تضاد اجتماعی، علت اصلی خشونت ناشی از نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی است که در آن مردم به دو دسته فقیر و ثروتمند تقسیم می‌شوند.

1.Siegel

2.Cullen

نظریه‌های تنش: در راستای تبیین خشونت، از «تنش» به‌عنوان عاملی که احتمال خشونت را افزایش می‌دهد یاد شده است؛ اما می‌توان گفت که نظریه‌پردازان این حوزه عموماً دو دیدگاه را اتخاذ کرده‌اند: اول، دیدگاه تنش خانوادگی که بر افراد درون خانواده و ویژگی‌هایی که خانواده‌ها را آماده و مستعد تنش می‌سازد، تأکید می‌کند؛ و دوم، دیدگاه تنش محیطی که در مقابل تنش نوع اول قرار دارد. بر اساس این دیدگاه، ویژگی‌های ساختاری جامعه که منجر به توزیع نابرابر فرصت‌ها می‌شود، باعث ایجاد تنش می‌گردد (فرینگتون^۱، ۱۹۸۶، ۱۳۱). استرس و اضطراب نیز از جمله عواملی است که بر تنش میان افراد اثرگذار است. استرس، حالتی است که در نتیجه تعارض میان فرد و محیط به‌وجود می‌آید و باعث ایجاد ناهماهنگی میان ملزومات یک موقعیت و منابع زیستی، روانی و اجتماعی فرد می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت غیررسمی، ادراک خانواده و کارایی فردی والدین و انگیزش مثبت دریافت‌شده به‌عنوان منبع حمایتی می‌تواند در مهار و کاهش استرس و تنش نقش اساسی ایفا کند (فاضل دهکردی و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۱۸).

نظریه بوم‌شناختی (اکولوژیکی): بر اساس دیدگاه اکولوژیکی «شهرنشینی» نابسامانی‌های شخصیتی و اجتماعی و مشکلات روانی افراد را افزایش می‌دهد. جوهره تحلیل جامعه‌شناختی نظریه‌پردازان اکولوژیکی، ایجاد ارتباط بین ویژگی‌های ساختاری جامعه و نظم اخلاقی جامعه است. این نظریه‌پردازان بر این باورند که مهاجرت و استقرار در شهرها، شکل جدیدی از زندگی اجتماعی و روانی را برای افراد فراهم می‌آورد و موجب به‌وجود آمدن انسان‌های جدیدی می‌شود که به هم خیلی نزدیک هستند؛ اما فاصله روانی و اجتماعی آن‌ها، با هم خیلی زیاد است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۹، ۱۴۱). نظریه‌های اکولوژیکی به تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی اشاره می‌کنند و معتقد هستند که عوامل متعدد و اجتماعی از قبیل محیط‌های خانوادگی، گروه همسالان، هنجارهای اجتماعی، ویژگی‌های جمعیتی و عوامل فردی در خشونت افراد مؤثر است (علمی و تیغ‌زن، ۱۳۸۷، ۳۱).

روش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) به مطالعه پدیده موردنظر (شناسایی عوامل و پیامدهای به‌کارگیری سلاح‌های غیرمجاز در استان کرمانشاه) پرداخته است. در طول انجام تحقیق حاضر از روش‌های مختلف و متنوع گردآوری اطلاعات استفاده شد. بخشی از اطلاعات تحقیق از جمله بررسی و مطالعه درزمینه مبانی نظری و پیشینه تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای (استفاده از کتاب‌ها و مقالات تخصصی، پایان‌نامه‌ها، طرح‌های تحقیقاتی و اسناد موجود در فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه) گردآوری شد و اطلاعات حوزه میدانی از طریق مصاحبه با کارشناسان به دست آمد. بر مبنای مدل پارادیمی داده‌بنیاد؛ تعداد ۵ سؤال باز در حیطه شناسایی عوامل، بسترها و زمینه‌ها، شرایط محیطی تأثیرگذار بر پدیده، پیامدهای امنیتی ناشی از به‌کارگیری سلاح در استان و درنهایت راهبردهای مناسب درزمینه کنترل پدیده موردنظر از مصاحبه‌شوندگان صورت پذیرفت. در این پژوهش، نمونه‌ها به شیوه‌ای هدفمند بر مبنای نظریه‌ها انتخاب شدند، به نحوی که به دلیل حساسیت موضوعی با هدف گردآوری اطلاعات لازم، مصاحبه‌ای با مسئولان انجام شد؛ یعنی افرادی که به نظر می‌رسید درزمینه مورد مطالعه بیشتر از دیگران اطلاعات کافی داشته باشند؛ این بخش، طیفی از کارشناسان و خبرگان شورای تأمین استان کرمانشاه در حوزه‌های امنیتی، قضایی و انتظامی و اجرایی (به تعداد ۱۵ نفر) بودند. درواقع، نظریه پرداز داده‌محور خلاف فرایند تحقیق خطی و منبعث از نظریه، به‌جای پیش‌فرض‌های نظری به داده‌ها و میدان مورد مطالعه رجوع می‌کند. در این دیدگاه، نظریه را نباید بر افراد و سوژه‌ها پیاده کرد، بلکه نظریه از طریق کار روی داده‌ها و در میدان تحقیق کشف می‌شود، افراد مورد مطالعه براساس ارتباط آن‌ها با موضوع تحقیق انتخاب می‌شوند (فیلک^۱، ۱۳۹۲) بنابراین مشاهده می‌شود که این روش، روشی است با هدف اکتشاف و تبیین نظری که پژوهشگران بیشتر با این اهداف به سراغ این روش

می‌روند. در فرایند انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی و گردآوری داده‌ها، از مصاحبه دهم به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شد؛ اما برای اطمینان، مصاحبه تا نفر پانزدهم ادامه یافت. مفاهیم استخراجی از مصاحبه‌ها از مصاحبه سیزدهم به بعد، به اشباع نظری رسید. پس از بررسی مصاحبه‌ها، دویست و بیست مفهوم، کدگذاری شد و تمام مفاهیم در شش مقوله اصلی و هجده مقوله فرعی جانمایی شدند. به‌منظور کشف و تدوین مدل داده‌بنیاد، فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی، طی شد و میزان فراوانی و درصد آن‌ها محاسبه شد.

به‌منظور قابلیت اطمینان یافته‌ها، کلیه کدهای استخراجی از هر مصاحبه با مصاحبه‌شونده چک شده^۱ و در صورت نیاز اصلاح شد و برای به‌دست آوردن پایایی تحقیق از ضریب توافق کاپا^۲ استفاده شده است. برای محاسبه ضریب کاپا، ابتدا پنج مطالعه به‌صورت تصادفی انتخاب و پرسش‌نامه معکوس موردنظر را دو کدگذار به‌طور جداگانه پر کردند و داده‌ها در قالب یک ماتریس دو بُعدی شامل کدگذاران و کدهای آن‌ها تنظیم و درنهایت ضریب کاپا محاسبه شد. مقدار به‌دست آمده در حدود ۰/۸ بود که حاکی از اعتبار قابل قبول و توافق بین کدگذاران است. در انتهای تحقیق علاوه بر تنظیم جداول مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده، الگوی پارادایمی علل و پیامدهای به‌کارگیری سلاح در استان کرمانشاه ترسیم شده است.

یافته‌ها

کدگذاری، رویه‌ای نظام‌مند است که اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) برای کشف مفاهیم، مقوله‌ها و ابعاد داده‌ها توسعه داده‌اند. در این تحقیق، براساس رویه یاد شده، کدگذاری داده‌ها به شرح زیر انجام شده است:

۱- **شرایط علی:** شرایط علی در این پژوهش، شامل مفاهیمی بود که از نشانه‌های کدگذاری شده در مورد اهمیت پدیده اصلی مورد بررسی یعنی علل و پیامدهای به‌کارگیری سلاح در استان کرمانشاه وجود دارد، به دست آمد. توضیحات

1.member check

2.Kappa

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش‌های مربوط به شرایط علی، منجر به شناسایی کدهای جدول ۱ شد.

جدول شماره ۱: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط علی

درصد	فراوانی	مقوله‌ها	مفاهیم
۶/۰۶	۸	- پابندی به عرف و سنن	علاقه‌مندی به سلاح
۳/۷۸	۵	- تعصبات قومی و طایفه‌ای	
۹/۰۹	۱۲	- علاقه‌مندی به استفاده سلاح	
۴/۵۴	۶	- روحیه سلحشوری قوم کُرد	
۳/۰۳	۴	- پابندی به سنت‌ها	پابندی به آداب و رسوم
۲/۲۷	۳	- خودنمایی و حس برتری جویی	
۸/۳۳	۱۱	- نقش پررنگ هویت قومی	
۳/۷۸	۵	- وضعیت زندگی طایفه‌ای	
۱/۵۱	۲	- احساس برتری طلبی	
۳/۰۳	۴	- تعصبات قومی و طایفه‌ای	
۵/۳۰	۷	- فقر اطلاعات قانونی	ناآشنایی با قوانین
۱/۵۱	۲	- ناآگاهی از نتایج عملکرد غیرقانونی	
۲/۲۷	۳	- فرهنگ قانون‌گریزی	
۱/۵۱	۲	- پایین بودن سطح زندگی	توسعه‌نیافتگی اقتصادی
۶/۰۶	۸	- توسعه‌نیافتگی	
۴/۵۴	۶	- گرایش به قاچاق	
۳/۷۸	۵	- بیکاری	
۵/۳۰	۷	- پر نبودن اوقات فراغت	
۸/۳۳	۱۱	- استفاده تفریحی از سلاح	
۵/۳۰	۷	- سودآوری قاچاق سلاح	کسب سود و منفعت‌طلبی
۴/۵۴	۶	- مطلوبیت اقتصادی	
۶/۸۱	۹	- رشد فزاینده قاچاق سلاح	
۱۰۰	۱۳۲	جمع کل	

۲- **شرایط زمینه‌ای:** مفاهیمی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته شدند که می‌توانستند به‌صورت تخصصی بر راهبردهای به‌کارگیری سلاح در استان کرمانشاه تأثیرگذار باشند. این شرایط بیشتر به محیط داخلی و عوامل خارجی مربوط می‌شود. توضیحات مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای، منجر به شناسایی کدهای جدول ۲ شد.

جدول شماره ۲: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی‌شده مرتبط با شرایط زمینه‌ای

درصد	فراوانی	مقوله‌ها	مفاهیم
۱۰/۲۵	۴	- تنوع طوایف محلی	اختلافات قومی و قبیله‌ای
۱۵/۳۸	۶	- تعصبات قومی قبیله‌ای	
۷/۶۹	۳	- تفاوت کیفیت املاک روستاها	
۱۲/۸۲	۵	- افزایش جمعیت	
۱۰/۲۵	۴	- نبود اسناد قانونی املاک	
۱۰/۲۵	۴	- وجود اختلافات ملکی	
۱۷/۹۴	۷	- تجربه زیستی جنگ	آثار نامطلوب جنگ تحمیلی
۱۲/۸۲	۵	- احساس ناامنی ذهنی	
۱۰۰	۳۹	جمع کل	

۳- **شرایط مداخله‌گر:** مفاهیمی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر در نظر گرفته شدند که می‌توانستند به‌صورت عمومی و با نقش تسهیل‌کنندگی و محدودکنندگی، بر راهبردهای به‌کارگیری سلاح در استان کرمانشاه تأثیرگذار باشند و بیشتر به محیط کلان و عوامل انتظامی و امنیتی مناطق مرزی کشور مربوط می‌شود. توضیحات مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر، منجر به شناسایی کدهای جدول ۳ شد.

جدول شماره ۳: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله‌گر

درصد	فراوانی	مقوله‌ها	مفاهیم
۱۵/۶۸	۸	- گستردگی مرزها	وجود خلأهای مرزی
۲۱/۵۶	۱۱	- عدم اشراف محیطی	
۱۷/۶۴	۹	- تردد غیرمجاز	
۲۳/۵۲	۱۲	- تحرکات گروهک‌های ضد انقلاب	اقدامات تروریستی و ضد امنیتی
۱۱/۷۶	۶	- ترور مسئولان	
۹/۸۰	۵	- اجرای سناریو کشته‌سازی	
۱۰۰	۵۱	جمع کل	

۴- پیامدها: مفاهیمی که به‌عنوان پیامدها در نظر گرفته شدند شامل خروجی‌های تأثیرگذار مشهود و نامشهودی است که در اثر به‌کارگیری سلاح در استان کرمانشاه به وجود آمده است. این موضوع در سطح خرد و کلان بر امنیت عمومی استان کرمانشاه تأثیرگذار می‌باشد. توضیحات مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش‌های مربوط به پیامدها، منجر به شناسایی کدهای جدول ۴ شد.

جدول شماره ۴: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پیامدها

درصد	فراوانی	مقوله‌ها	مفاهیم
۱۱/۸۲	۱۱	- احساس خطر	ایجاد دلهره و اضطراب
۴/۳۰	۴	- ناپایداری و شکنندگی	
۷/۵۲	۷	- مشاهده خشونت	
۶/۴۵	۶	- دسترسی آسان به سلاح	وقوع جرائم خشن
۱۰/۷۵	۱۰	- آسیب‌های اجتماعی	
۸/۶۰	۸	- وقوع جرائم خشن	
۷/۵۲	۷	- افزایش بزهکاری	
۸/۶۰	۸	- افزایش درگیری و نزاع	
۹/۶۷	۹	- تردهای غیرمجاز	اقدامات تروریستی و ضد امنیتی
۱۲/۹۰	۱۲	- تحرکات گروهک‌های ضد	

		انقلاب
۶/۴۵	۶	- ترور مسئولان
۵/۳۷	۵	- اجرای سناریو کشته سازی
۱۰۰	۹۳	جمع کل

بعد از کدگذاری و طبقه بندی داده ها، الگوی نهایی پژوهش براساس مدل پیشنهادی اشتراوس و کوربین^۱، طراحی و تدوین شد. شکل ۱ الگوی مفهومی براساس نظریه داده بنیاد برای شناسایی علل و پیامدهای به کارگیری سلاح در استان کرمانشاه را نشان می دهد.



شکل ۱: الگوی پارادایمی علل و پیامدهای به کارگیری سلاح در استان کرمانشاه

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سعی شده علل و پیامدهای مهم و تأثیرگذاری که می‌تواند در به‌کارگیری سلاح در استان کرمانشاه مؤثر باشد، براساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین شناسایی شود. در بخش شرایط علی که مربوط به حوادث یا وقایعی است که به وقوع یا رشد پدیده‌ای منتهی می‌شود، مؤلفه‌های علاقه‌مندی به سلاح، پایبندی به آداب و رسوم، ناآشنایی با قوانین و مقررات، توسعه‌نیافتگی اقتصادی و کسب سود و منفعت‌طلبی توسط عده‌ای از افراد سودجو و منفعت‌طلب از محتوای مصاحبه با خبرگان و کارشناسان استخراج شد که با پژوهش‌های شاطریان و بخشی (۱۳۹۶) که به بررسی و تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع مسلحانه در جوامع روستایی پرداخته‌اند و قدسی (۱۳۹۰) با عنوان آسیب‌های ناشی از کاربرد اسلحه گرم و همچنین احمدی اوندی (۱۳۹۴)، مبنی بر بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر حمل و نگهداری سلاح و تحقیقات براگا (۲۰۱۲) و همینوی و میلر (۲۰۰۰) که علت نهایی استفاده از سلاح را استفاده غیرقانونی و تهدید ارباب بیان کرده‌اند، همسو است. یکی از موضوعاتی که بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش به آن تأکید داشتند، مؤلفه‌های ناآشنایی با قوانین و مجازات‌های مرتبط، وجود اختلافات ملکی و گسترش افکار قومی بوده که منجر به افزایش نزاع‌های فردی و دسته‌جمعی و استفاده از سلاح می‌شود. میزان علاقه‌مندی مرزنشینان به سلاح باعث شده است که برخی محله‌ها در کرمانشاه تبدیل به مأمنی برای خرید و فروش سلاح‌های گرم شوند. خرید و فروش سلاح غیرمجاز در تعدادی از محله‌ها سبب بروز مشکلات متعدد برای شهروندان شده و این معضل به‌عنوان یکی از شاخص‌های ناامنی، آرامش و امنیت مردم را با خطر مواجه کرده است. در این زمینه، نقش خلافکاران و قاچاقچیان مهم است و مناطق مختلف حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر در کرمانشاه به مکانی امن برای قاچاقچیان سلاح تبدیل شده است. محله‌هایی مانند دره دراز، باغ ابریشم، جعفرآباد، ملاحسین، شریعتی، مهدیه، آقاجان و... از جمله محله‌هایی در شهر کرمانشاه است که خرید و فروش اسلحه غیرمجاز در آن‌ها رواج دارد و سبب سلب امنیت و آسایش مردم شده است. در برخی

موارد، ناآگاهی مردم سبب نگهداری سلاح غیرمجاز می‌شود؛ به بیانی دیگر گاهی مردم از عواقب سخت حمل سلاح غیرمجاز و برخورد قانونی و حقوقی با این جرم اطلاعی ندارند.

بخش دوم مدل پارادایمی مربوط به عوامل زمینه‌ای است؛ این عوامل می‌توانند به‌صورت تخصصی بر راهبردهای پیاده‌سازی زمینه‌های محیطی به‌کارگیری سلاح در استان کرمانشاه تأثیرگذار باشند. عوامل مذکور بیشتر به محیط داخلی و عوامل خارجی مربوط می‌شود. در بخش شرایط زمینه‌ای دو مفهوم اصلی (اختلافات قومی و قبیله‌ای و آثار نامطلوب جنگ تحمیلی) و هشت مقوله شناسایی شدند. نزاع‌ها و اختلافات قومی و قبیله‌ای در مناطق مختلف ایران سال‌های زیادی است که از چالش‌های پیش روی محاکم دادگستری و قضایی است. نحوه ورود قضایی به پرونده‌هایی که در بسیاری مواقع، خاستگاه‌ها و ریشه‌های فرهنگی و قومیتی دارند و از قانون‌های عرفی و نانوشته طایفه‌ای تأثیر پذیرفته‌اند همواره با اما و اگرها و اختلاف نظرهای کارشناسی همراه بوده است. هرچند همراهی و ورود ریش سفیدان و بزرگان قوم در این پرونده‌ها به کمک شوراهای حل اختلاف تا حدود زیادی بر پایان اختلافات و آشتی دادن طایفه‌های درگیر تأثیر داشته است؛ با این حال این موضوع یکی از مشکلات دیرپای دستگاه قضاست که باعث شده تا اختلافات قومی در چرخه انتقام‌گیری‌های شخصی و خودسرانه از طریق سلاح قرار گیرد. از دیگر شرایط زمینه‌ای که در این تحقیق به آن پرداخته شده است، آثار نامطلوب جنگ می‌باشد که فوق‌العاده مخرب است. هر جا جنگ بوده است، پیامدهای ناگواری بر جامعه و محیط زیست بر جای گذاشته است. جنگ، یکی از خشن‌ترین و مخرب‌ترین و فاجعه‌آمیزترین پدیده‌های بشری است که به دست انسان‌ها رخ می‌دهد. از جمله آثار مخرب جنگ، دسترسی آسان افراد به سلاح‌های جنگی بوده است. وجود خلأهای مرزی، علاقه‌مندی به سلاح در بین طوایف، بیکاری مرزنشینان، توسعه نیافتگی اقتصادی، مشاهده خشونت‌های فردی و اجتماعی توسط افراد مسلح، را می‌توان از پیامدهای هشت سال جنگ تحمیلی بر مردم

منطقه و از مهم‌ترین بسترهای تهیه سلاح غیرمجاز در سطح مناطق مرزی استان کرمانشاه بیان کرد که از بیرون بر کشور تحمیل شده و تأثیر نامطلوبی بر جای گذاشته است. از دیگر عوامل مؤثر در به‌کارگیری سلاح غیرمجاز، عوامل مداخله‌گر است. این بخش نیز شامل دو مفهوم اصلی و هفت مقوله است؛ مفاهیم عوامل مداخله‌گر عبارت‌اند از: وجود خلأهای مرزی و اقدامات ضد امنیتی و تروریستی. بخشی از مناطق کوهستانی و شهرهای کوهستانی در منطقه کردنشین عراق در اختیار حکومت مرکزی عراق نیست؛ بنابراین مستعد حضور تروریست‌ها و آموزش آن‌ها است. از سویی شکست سازمان‌های اطلاعاتی موساد و سیا^۱ در منطقه به لحاظ از بین رفتن تروریست‌ها و در رأس آن‌ها داعش، باعث شده است تا آن‌ها تلاش کنند که به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صدمه بزنند. این شرایط سبب می‌شود تا تروریست‌ها از نقاط کور امنیتی مرزها عبور و در داخل کشور نفوذ کنند و با استفاده از عناصر داخلی لطماتی را وارد سازند.

راهبردها و اقدامات، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری یعنی به‌کارگیری سلاح غیرمجاز منتج می‌شوند و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر هستند. در مجموع با توجه به پیامدهای ناگوار امنیتی موضوع تحقیق، سه راهبرد برای مقابله و کنترل این پدیده امنیتی در فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه شناسایی شد که به شرح زیر دسته‌بندی شدند. با توجه به اهمیت هر یک از راهبردها، در ادامه برای پیشگیری و مقابله به‌صورت مبسوط به آن‌ها پرداخته می‌شود:

راهبرد اشراف اطلاعاتی: در یک نگاه کلی، اشراف اطلاعاتی اصلی‌ترین وظیفه یک سازمان اطلاعاتی است. مفهوم اشراف اطلاعاتی، یکی از پرکاربردترین واژه‌های تخصصی در حوزه امنیت عمومی به‌شمار می‌رود؛ به‌طوری‌که این اقدام در سرلوحه اولویت‌های یک سازمان اطلاعاتی تلقی شده و سیستم‌های جمع‌آوری اخبار و اطلاعات، مأموریت اصلی خود را حول محور ایجاد و تقویت اشراف اطلاعاتی بنا نهاده‌اند. از طریق این راهبرد و تسلط بر سه وضعیت گذشته، حال و آینده، نیروهای امنیتی و انتظامی می‌توانند به‌موقع و سریع جلوی ورود سلاح، مواد منفجره و حتی

گروه‌هایی تروریستی به درون مرزهای ایران را بگیرند. امروزه با چهره تازه‌ای از تهدید روبرو هستیم. بعد از سال ۱۹۹۱ میلادی و ورود آمریکایی‌ها در منطقه، راهبرد جدیدی با عنوان «جنگ ترکیبی» طراحی شد. در این تاکتیک جدید دیگر عملیات تأخیری و فرسایشی وجود ندارد و از بازیگرانی مانند داعش در صحنه این جنگ استفاده می‌شود؛ بنابراین ضرورت دارد دستگاه‌های متولی نظم و امنیت عمومی که محوریت اصلی آن با نیروی انتظامی است، از طریق اشراف اطلاعاتی بر این‌گونه جریان‌ها، ضمن کنترل مرزها و ورودی‌های کشور برای آگاهی از ورود سلاح‌های غیرمجاز، تاکتیکی متناسب برای مقابله با گروهک‌های تروریستی و تکفیری اتخاذ کنند.

راهبرد هم‌افزایی دستگاه‌های امنیتی: یکی از ابعاد مهم و تأثیرگذار در سازمان‌های اطلاعاتی، بُعد یکپارچگی و انسجام سازمانی است. این امر منجر به ساخت درونی سازمان، فرصت‌سازی امنیتی، انعطاف و انطباق‌پذیری محیطی و تعامل مؤثر و کارآمد و درنهایت افزایش اشراف اطلاعاتی از طریق هم‌افزایی می‌شود. با توجه به شرایط متغیر محیطی و تهدیدهای پیش‌رو برای نظام جمهوری اسلامی ایران، این امر از اولویت بالایی برخوردار است؛ بنابراین ضرورت دارد دستگاه‌های امنیتی از طریق پشتیبانی اطلاعاتی از نیروی انتظامی در زمینه شناسایی باندهای قاچاق سلاح و مهمات غیرمجاز هم‌افزایی را تولید کنند.

راهبرد اجرای مستمر طرح جمع‌آوری سلاح غیرمجاز: بر اساس قانون مجازات قاچاق سلاح و مهمات مصوب سال ۱۳۹۰، به‌منظور ارتقای امنیت، برخورد قاطع با دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مقرر شد که هر کس به‌طور غیرمجاز سلاح گرم و سرد جنگی و یا شکاری و قطعات مؤثر یا مهمات آن را خریداری، نگهداری و یا حمل کند برحسب مورد به حبس تعزیری محکوم شود. اصلی‌ترین عامل وجود و وفور سلاح‌های غیرمجاز در جامعه، نبود طرح جامع مبارزه با سلاح غیرمجاز در کشور در کنار سایر مؤلفه‌ها مانند ضعف کنترل مرزهای کشور با به‌کارگیری توأمان امکانات سخت‌افزاری، نیروی انسانی، تجهیزات نرم‌افزاری و جلب مشارکت مردم منطقه به‌منظور جلوگیری و کاهش ورود سلاح‌های غیرمجاز است. بر این اساس، طی چند نوبت

طرحی در استان تهیه شده که براساس آن، نیروهای اطلاعاتی، انتظامی و بسیج، در عملیات‌های مستمر، برخورد جدی با موارد خلاف را در دستور کار خود قرار داده و به مورد اجرا می‌گذارند. طراحی طرح‌های جامع با همکاری سایر نیروهای امنیتی و نظامی می‌تواند نقش مهمی در زمینه پیشگیری و مقابله با سلاح‌های غیرمجاز داشته باشد.

پیشنهادها

با توجه به احصای پیامدهای امنیتی حاصل از این پژوهش کیفی، پیشنهادهای کاربردی در دو حوزه ارائه می‌شود:

الف) پیشنهادها در زمینه کاهش اضطراب و دلهره شهروندان و تقویت امنیت ذهنی آنان

- آگاه‌سازی فرهنگی از طریق رسانه‌ها و صداوسیما با ساختن فیلم‌ها و تیزرهای تبلیغاتی و روشن کردن مضرات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی قاچاق، حمل و استفاده از اسلحه در جامعه برای مردم با همکاری سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و مسئولان و مقامات محلی صورت پذیرد.
- نظارت اجتماعی بر آموزش‌های اجتماعی خصوصاً در نهادهای تربیتی نظیر خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و... انجام شود.
- افزایش گشت پلیس در فضای‌های ناامن و نقاط آلوده به سلاح؛
- تعبیه دوربین‌های مداربسته در فضاهای عمومی شهری؛
- پاکسازی نقاط جرم‌خیز و اطلاع‌رسانی مناسب به شهروندان؛
- تصویب قوانین جدید و محدودیت‌های اجتماعی ویژه جرم حمل و نگهداری سلاح گرم؛ زیرا به نظر می‌رسد جامعه امروزی با توجه به پیچیدگی‌ها و افزایش جمعیت و ده‌ها مؤلفه دیگر نیازمند تصویب قوانین جدید و محدودیت‌های اجتماعی و حقوق شهروندی در برخورد با این جرائم است.

ب) پیشنهادها در زمینه کاهش جرائم خشن و ضد اقدامات تروریستی

- اجرای مستمر طرح جمع‌آوری سلاح و مهمات غیرمجاز و برخورد با تهیه و توزیع کنندگان سلاح و مهمات غیرمجاز در اولویت کاری قرار گیرد؛
- با برگزاری جلسات برون و درون‌سازمانی دربارهٔ مقابله جدی با دارندگان سلاح و مهمات، تهیه و توزیع کنندگان هم‌افزایی اطلاعاتی صورت گیرد؛
- با توجه به گستردگی سطح جرائم ناشی از نگهداری سلاح غیرمجاز، اختصاص یک معاونت خاص با عنوان «دادسرای ویژه مبارزه با دارندگان سلاح» ضروری به نظر می‌رسد؛

- قاضی ویژه برای این موضوع انتخاب شود و با افرادی که تمرد می‌کنند؛ برخورد جدی شود تا قانون‌مداری شکل گیرد؛

- شناسنامه‌دار کردن گروه‌هایی که بیشترین سلاح را دارند و اعمال مجازات سخت و بازدارنده برای آنان؛

- نظر به اینکه تعداد قابل توجهی سلاح و مهمات غیرمجاز از طریق مرز مشترک ایران با عراق وارد کشور می‌شود، جلسات دیپلماسی با مسئولان کشور همسایه در خصوص تشدید اقدامات کنترلی، انسداد و نظارت بیشتر بر مرز برگزار شود.

سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از فرماندهان، مدیران و کارشناسان حوزهٔ امنیتی - انتظامی و همهٔ کسانی که در انجام این پژوهش همکاری کردند، تشکر و قدردانی کنند.

منابع

احمدی اوندی، ذوالفقار. (۱۳۹۴). مطالعهٔ جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه). پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
الهام، غلامحسین؛ عابد، رسول. (۱۳۹۳). شکل‌گیری حق داشتن سلاح و تأثیر آن بر حقوق کیفری، فصلنامهٔ پژوهش حقوق کیفری، ۲ (۷)، ۱۰۲-۷۳.

جوانان سنندج به حمل سلاح سرد، فصلنامه دانش انتظامی استان کردستان، دوره ۹۱، شماره سوم، صص ۸۵-۱۰۸.

http://kurdestan.jrl.police.ir/issue_3079_3083.html

بشیری خطیب، بهنام؛ فخرایی، سیروس. (۱۳۹۲). بررسی علل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پرخاشگری در میان خانواده‌های تبریز، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴ (۲)، ۲۳۳-۲۲۱.

https://jas.ui.ac.ir/article_18311.html

پلیس اطلاعات و امنیت عمومی. (۱۳۹۹). برآورد اطلاعاتی موضوعی با تأکید بر سلاح و مهمات غیرمجاز در استان، کرمانشاه. پلیس اطلاعات و امنیت عمومی.

حسینی، ناهید. (۱۳۹۹). واکاوی تجربه زیسته مردم کرمانشاه در استفاده از سلاح گرم غیرمجاز، فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۵ (۵۷)، ۹۶-۷۳.

http://icra.jrl.police.ir/article_93640.html

رجبی فرجاد، حاجیه؛ شایگان، فریبا. (۱۳۹۸). پیرامون بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان اهوازی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۰ (۵۸)، ۷۵-۴۷.

http://sss.jrl.police.ir/article_92292.html

رضایی کلواری، نورالله؛ بحرینی، مجید. (۱۳۸۹). مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان، فصلنامه مطالعات و امنیت اجتماعی، ۱ (۲۲)، ۱۶۲-۱۳۷.

http://sss.jrl.police.ir/article_11915.html

سادات میری، هانیه؛ دادور، رحمت‌الله. (۱۳۹۰). بررسی عوامل فردی-اجتماعی مرتبط با خشونت علیه زنان متأهل ناحیه ۶ شهر مشهد در سال ۸۹-۱۳۸۸. فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی، ۷ (۲۸)، ۲۴-۱.

http://journal.aukh.ac.ir/article_527894

ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ بیست و هفتم.

شاطریان، محسن؛ بخشی، قدیر؛ عشایری، طاها؛ آتش‌زاده، اکبر. (۱۳۹۶). بررسی و تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی در جوامع روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۴۹، صص ۵۱-۲۷.

http://sss.jrl.police.ir/article_12019_8

صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.

عزیزی، جلیل؛ محمودی، اعظم. (۱۳۹۴). بررسی نظریه‌های ساختاری، فرهنگی و خشونت روانی علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۷ (۲۶)، ۷-۱۸.

<http://jwc.iauhvaz.ac.ir/article>

عشایری، طاها؛ ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۲). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی روستایی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۴

(۳۴)، ۱۶۹-۱۴۳. http://sss.jrl.police.ir/article_12024_403

علیوردی‌نیا، اکبر؛ شهریاری، نگار. (۱۳۹۶). بررسی رفتار انحرافی دانشجویان: ارزیابی توان تبیینی نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸ (۲)، ۸۹-۱۱۴.

http://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_2736.html

علمی، محمود؛ تیغ‌زن، خدیجه. (۱۳۸۷). تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعات جامعه‌شناسی، ۱ (۱)، ۴۲-۲۳.

http://jss.iaut.ac.ir/article_520919.html

فاضل دهکردی، زهرا؛ خورسندی، محبوبه؛ روزبهبانی نسرين؛ رنجبران، مهدی؛ رجبی، محمود. (۱۳۹۷). کاربرد سازه‌های اساسی نظریه شناخت اجتماعی در کاهش استرس

دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۹۵-۱۳۹۴. مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۱۶ (۷)، ۵۲۶-۵۱۷.

<http://unmf.umsu.ac.ir/article-1-3397-fa.html>

قدسی، سیدمحمد؛ افتخار، بهزاد؛ حاجی، علی. (۱۳۹۰). آسیب‌های ناشی از کاربرد اسلحه گرم؛ نتیجه یک مطالعه چند مرکزی، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری

اسلامی ایران، ۲۴ (۳)، ۲۳۹-۲۳۲.

http://jmcciri.ir/browse.php?a_code=A-10-1-1074

معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۹۶). گزارش مطالعاتی برآورد اجتماعی با تأکید بر اولویت جرائم و آسیب‌های اجتماعی استان کرمانشاه. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.

میرزایی، غفار. (۱۳۹۴). دسترسی به سلاح گرم؛ شلیک به امنیت جامعه، پایگاه اینترنتی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.

[<https://www.irna.ir/news/81834020>]

- Barnett, w.c.L. Miller-Perrin, and R.D.perrin (2005). Family Violence across the Life Span. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Bersani, C.A. and Chen, H.-T. (1988) Sociological Perspectives in Family Violence. In: Van Hasselt, V.V., Morrison, R.L., Bellack, A.S. and Hersen, M., Eds., Handbook of Family Violence, Springer Science, New York, 57-88. https://doi.org/10.1007/978-1-4757-5360-8_4.
- Braga, A. A., Wintemute, G. J., Pierce, G. L., Cook, P. J., & Ridgeway, G. (2012). Interpreting the empirical evidence on illegal gun market dynamics. *Journal of Urban Health*, 89(5), 779-793. <https://doi.org/10.1007/s11524-012-9681-y>.
- Brennan, Iain R & Christopher Moore, Simon (2009). Weapons and violence: A review of theory and research, *Newyourk*14(3):215-225., <https://www.researchgate.net/publication>.
- Cullen, F.T & Wilcox, Pamela (1988). Encyclopedia of criminological theory, London: sage publication.
- Klein, R.C.A. (1988). Multidisciplinary perspective on family violence. London: Rutledge.
- Harmon, P.A. (2001). Why Do Men Batter women? Assessing Empathy, self Regard and Narcissism levels and Attitudes Toward women, Men's Roles and family of origin Experiences Among Middle to upper class male Batterers. PhD Thesis. United states: Ohio state university.
- Kalmuss, D. (1984). "The intergenerational transmission of marital aggression" *Journal of marriage and the family*, vol. 46, No. pp. 11-19. <https://www.jstor.org/stable/351858>.
- Van Hosselt, V.B (1988). Hand book of family violence. Newyork: plenum press. Faringtone.
- Fraington, Keith. (1986). "The application of stress theory to the study of family violence: principles, problems and prospects", *Journal of family violence.*, vol.1, No. 2, pp 131-147. <https://doi.org/10.1007/BF00977249>
- Hemenway, D & Miller, Azrael (2000). Gun use in the United States: results from two national surveys, *Injury Prevention* 2000;6:263-267. <https://injuryprevention.bmj.com/content/injuryprev/6/4/263.full.pdf>.